

هویت

(مسئله هویت و سبک زندگی)

نرسی طالبی
بدری سمنگانی
علی رشیدپور
سعید شریفی

با مقدمه
ناصر فکوهی



دفتر پژوهشهای فرهنگی

دفتر مرکزی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، نبش کوچه یگانه، شماره ۲۲۹

کدپستی: ۱۵۸۴۷۳۶۹۱۳ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۴۶۹۱

تلفن: ۸۸۳۱۵۲۳۷ ۸۸۸۲۱۳۶۴

دورنگار: ۸۸۳۰۲۴۸۵

lahzeh1386@gmail.com

www.iranaculturestudies.com , www.lahzeh-ketab.com

پست الکترونیک:

فروش الکترونیک:

مرکز اصلی بخش و فروش:

• فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، نبش کوچه یگانه، شماره ۲۲۹

تلفن: ۰۹۳۵۲۴۷۹۸۴۷، ۸۸۸۴۹۴

• بخش مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، نبش خیابان شهید وحید نظری، شماره ۲۵۵

تلفن: ۰۹۱۲۲۱۱۰۶۴۱، دورنگار: ۶۶۹۵۰۱۴۶

هویت (مسئله هویت و سبک زندگی)

* مرتضی طلائی، بدری شاه‌طالبی، علی رشیدپور، سعید شریفی

* مقدمه: ناصر فکوهی

* Identity (The Question of Identity and Life Style)

* Morteza Talaii, Badri Shahtalebi, Ali Rashidpour, Saeed Sharifi

* Preface: ناصر فکوهی

* ویراستار صوری: نسرین اسدی * بررسی فنی: مهناز خسروی، نرگس مرآت

* طراح جلد و صفحه‌آرایی: داورزنی

* آرایه نقره روی جلد با نام «باغ ایرانی» اثر تسمیل و بهرام دشتی‌نژاد است.

* لیتوگرافی: خاورمیانه * چاپ: رسام * شماره کتاب: ۱۲ * نسخه * چاپ اول: ۱۳۹۳

همه حقوق محفوظ است. هرگونه تقلید و استفاده از این اثر بدون اجازه کتبی

دفتر پژوهشهای فرهنگی ممنوع است.

ISBN: 978-964-379-310-4

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۹-۳۱۰-۴

هویت (مسئله هویت و سبک زندگی) / مرتضی طلائی ... [و دیگران] - تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۹۳.

۲۱۰ ص. (فرهنگ و اندیشه؛ ۱۱)

ISBN: 978-964-379-310-4

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیفا

کتابنامه

۱. هویت. الف. طلائی، مرتضی، ۱۳۳۷. ب. شاه‌طالبی، بدری. ج. رشیدپور، علی.

د. شریفی، سعید. ه. دفتر پژوهشهای فرهنگی. و. عنوان.

۱۱۱/۸۲

BD ۲۳۶/۹۵ هـ ۱۳۹۳

۳۵۳۹۱۱۲

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۹	گفتار ۱: کلیات
۲۰	پاره نخست: فرهنگ
۲۵	پاره دوم: هویت
۳۱	پاره سوم: زندگی روزمره و سبک زندگی
۳۴	پاره چهارم: منابع هویت: ضرورت‌ها
۴۳	گفتار ۲: چالش‌های هویت
۴۵	پاره نخست: سبک زندگی، مصرف و هویت
۵۴	پاره دوم: اصالت هویت و مصرف
۶۱	پاره سوم: جامعه جدید، مصرف و هویت
۷۸	پاره چهارم: هویت و سبک زندگی اسلامی
۹۳	گفتار ۳: مسئله هویت و عرصه‌های زندگی روزمره
۹۳	پاره نخست: فناوری و رسانه
۱۱۱	پاره دوم: مد
۱۱۸	پاره سوم: جنسیت
۱۳۱	پاره چهارم: پزشکی شدن و بهداشت
۱۴۰	پاره پنجم: جهانی شدن
۱۴۶	پاره ششم: تفریح و اوقات فراغت

۱۵۰	پاره هفتم: تعلیم و تربیت
۱۵۴	پاره هشتم: گردشگری
۱۵۹	گفتار ۴: هویت و امر سیاسی
۱۶۰	پاره نخست: سیاست فرهنگی
۱۶۸	پاره دوم: سیاست فرهنگی و هویت
۱۷۴	پاره سوم: سیاست فرهنگی، هویت و شهروندی
۱۷۷	پاره چهارم: هویت و مشروعیت سیاسی
۱۸۰	پاره پنجم: هویت میراث فرهنگی
۱۹۷	فهرست منابع
۲۰۹	برای مطالعه بیش

www.ketab.ir

پیشگفتار

امروزه مسئله «هویت» به موضوعی پرمناقشه در گفتمان علوم انسانی به ویژه در حوزه های فرهنگ، سیاست و اجتماع تبدیل شده و تعداد بسیاری از پژوهش های دانشگاهی را به خود اختصاص داده است. اهمیت موضوع به هویت، به عنوان یک «مسئله»، زمانی ضرورت می یابد که دریابیم در عصر کنونی ریشه ها و نشئون زندگی جدید، صحنه های متعدد، متکثر و پیچیده ای پیدا کرده و همین امر بر ثبات مجادلات پیرامون هویت افزوده است.

مجادلات پیرامون ساخت هویت به مثابه «شونده» بر اساس پندارها و ساختارهای جدید، یا تداوم رویکرد پیشامدرنی در هویت به مثابه «استمرار آنچه» بوده است ظرفیت و قابلیت مسائل مربوط به هویت را در راستای مدیریت سیاست اجتماعی بیش از پیش نمایان ساخته و آن را به ابزاری مناسب در تغییر یا حفظ ثبات سیاسی اجتماعی بدل کرده است. اهمیت یافتن مفهوم فرهنگ از یک سو و چرخشی که در گفتمان علوم اجتماعی هم زمان با کثرت ارجاع امور اجتماعی به فرهنگ از دیگر سو، صورت گرفته است، هویت و مسائل مربوط به آن و همچنین سبک زندگی انسان را به مثابه محل تجلی فرهنگ بیان توجه قرار داد و پژوهشگران را ترغیب کرد تا هویت را به مثابه امری راهبردی در شنون مخبره دگر زندگی مورد مطالعه قرار دهند.

امروزه آنچه هم چنان مورد توجه قرار دارد چالش هایی است که هویت به مثابه امر مدام در حال «شدن»، به ویژه در «سبک زندگی»، با آن مواجه است. هویت در مقام مفهومی چندسطحی از یک سو با خاصیت انسجام دهنده گی و از سویی، در نقطه مقابل خود، با خاصیت ضد انسجامی می تواند عرصه تاخت و تاز مناقشات مختلف بنیادگرایانه و تحول خواهانه باشد. اما آنچه در بیانی دیگر اهمیت پرداختن به هویت را به ضرورت بدل می کند این است که

هویت در قرابت با فرهنگ به یک «مسئله» تبدیل شده است؛ مسئله‌ای که با گره خوردن به پیچیدگی‌های روزافزون فرهنگ به مثابه امری چندپاره در عرصه گفتمان‌های کثرت‌گرایانه و بنیادگرایانه از فراوانی کاربرد برخوردار شده است.

از سوی دیگر، هویت به مثابه امری شونده که می‌تواند سرعت، جهت، غایت و ابزار حرکت یک جامعه را تعیین کند در رأس مسائل توسعه‌ای به‌ویژه توسعه فرهنگی قرار گرفته است؛ هویت از آن‌جا که امکان پیش‌دستی در مدیریت تغییرات نرم را به دولت‌ها می‌دهد، هم‌این‌می‌تواند سبب ایجاد بحران‌های هویتی، استمرار مشروعیت سیاسی، دوام و تزلزل عرصه مشترک اجتماعی - فرهنگی که مقوم هویت است گردد؛ بر این اساس، هویت هم در عرصه اجتماع هم در عرصه سیاسی محل تأملی خاص شده است.

اگر در گذشته فرهنگ عاملی انسجام‌دهنده بود، امروزه به عاملی افتراقی بدل شده است؛ افتراقی که به دلایل متعددی علاوه بر تمایز در درون خود وحدت ساختاری به همراه دارد. توجه به مسائل پیش‌روی هویت، می‌تواند، علاوه بر کثرت‌پنداری، وحدت ساختاری را در سطح جامعه موجب شود. هویت مسئله‌شده در سپهر پرشتت فرهنگ، عرصه مناقشاتی است که اصالت آن‌ها به واسطه گستردگی پیچیدگی به دواشان بستگی پیدا کرده است. به هر نحو، کثرت‌فزاینده ارجاع مسائل اجتماعی به فرهنگ و هم‌چنین پیوند هویت به عنوان تفسیر معنایی فرد در بستری به عنوان فرهنگ به پیچیده‌تر شدن مسئله هویت می‌شود. مسئله‌ای که انسان سرگردان عصر مدرن را به تکاپوی اندازد در گیرودار زندگی، پاسخی برای سؤال «من کیستم؟» به‌دست آورد. در این مقام نه تنها به واسطه تزلزل در سازه‌های سنتی هویت‌ساز، بلکه به واسطه گستردگی و پیچیدگی عرصه‌ها و هم‌چنین تحولات متقابل و اجتناب‌ناپذیر و گاه هویت‌سوز، هویت‌یابی به فرایندی مداوم از طریق تبع‌اندیشی جدید تبدیل شده است. انسان از یک سواز بریده شدن از گذشته بیمناک است و سوی دیگر تمایل زیادی به پیوستن به آینده دارد. این شکاف بین تمایل به داشتن گذشته وجود در آینده مطلوب، به ایجاد مسئله هویت در جامعه مدرن منجر شده است. مسئله‌ای از - اجتماع، اقتصاد و سیاست که هر یک به نحوی نگارشی فرهنگی را از مسائل پیش‌روی هویت به مثابه امر مدام در حال شدن قرار می‌دهند. درک بهتر مسئله هویت و مسائل پیش‌روی آن نیازمند پرداختن به موضوعات متجانس و با ویژگی خاص است. هدف این کتاب نیز چیزی جز این نیست، تلاشی برای واکاوی کیفیت هویت به مثابه امری شونده در سپهر مجادلات پیرامون فرهنگ و، به تبع آن، چالش‌هایی که پیش‌روی هویت و گزاره‌های فرهنگی در عرصه زندگی روزمره ایجاد می‌شود.

عرصه مجادلات پیرامون فرهنگ، صحنه جولان مفاهیم پرطمطراقی است که گاه اصالتی

غیر فرهنگی (به معنای خاص) دارند و گاه حاصل پیوندی میان رشته‌ای هستند. مفاهیم فرهنگی گزاره‌هایی است که صدق و کذب آنها از تبارشناسی مفهومی مشخص نخواهد شد، اما فضایی را فراهم می‌آورند که هویت به مثابه امری شونده در این مجادلات ضرورتاً موضعی مشخص به خود بگیرد.

عمده‌ترین مسائل پیش‌روی هویت ناشی از افتراق معنایی و مفهومی فرهنگ در دو سطح دولت و جامعه است. در این مقام فرهنگ، به عنوان یک مفهوم پیچیده در فهم دولت، ناظر بر امر مطلوب و آرمانی و در فهم جامعه امری موجود و دست‌یافتنی برای همه است. بر این اساس دولت به عنوان نهادی اجتماعی گاه در مقابل نظام اجتماعی که از آن سر برآورده است موضعی خصمانه و معارض می‌گیرد و گاه هم‌جهت با اهداف اجتماعی قدم برمی‌دارد و بخش‌های مختلفی همچون اقتصاد، رسانه‌ها و... را در این راه با هم همسو می‌کند. دیگر این که فرهنگ به عنوان امری حاصل کنش متقابل تمامی اعضای یک جامعه با جهت‌های مختلف و گاه متعارض و موازی، موضوعات گوناگون اجتماعی تلقی می‌شود. در این معنا مفاهیم فرهنگی حاصل تعاضل اجتماعی است. اگرچه «دولت» محصول اجتماع است اما به واسطه تفاوت فهم اجتماع و دولت، «فرهنگی»، مفاهیم فرهنگی نیز تابع معرفت‌های متعدد و متفاوت دولت و اجتماع به مثابه دو امری با فهم متفاوت قرار می‌گیرند. «دولت‌ها» عمدتاً از مفهوم فرهنگ «مطلوب» به مثابه فضایی استعلایی و جهت‌دار فهم می‌کنند. این در حالی است که جامعه همواره وفاداری خود را به فرهنگ موجود حفظ می‌کند. فرهنگی که کارکرد آن اهمیت بیش‌تری نسبت به «ماهیت» آن دارد. کتاب «فرهنگ» بین فرهنگ موجود و فرهنگ مطلوب همواره فرهنگ را «مسئله‌دار» کرده است. بر این اساس فرهنگ از این حیث برای جامعه معاصر به یک «مسئله» بدل شده که از منظر دو اجتماع (دولت و جامعه) مسئله‌دار دیده می‌شود. مسئله فرهنگ نه صرفاً به عنوان یک رهیافت نظری و عرصه مطالعات فرهنگی بلکه به عنوان چالشی عملی و مداوم میان حوزه فرهنگ با «دیگری» یعنی اقتصاد، حقوق، سیاست و... نیز به موضوعی قابل تأمل بدل شده است. این امر با توجه به عصر جدید و پیدایی مفهوم زندگی روزمره^۱ به گفتمان علوم انسانی روح تازه‌ای دمیده است و این مقام و در سطح زندگی روزمره، فرهنگ، پیچیدگی‌ها و مسائل خود را در قالبی خاص و به نام هویت متجلی می‌کند. از این‌رو می‌توان گفت مسئله فرهنگ، به گونه‌ای مسئله هویت است. در پاره‌های مختلف این کتاب مسئله هویت به عنوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های فرهنگ در جامعه در مقابل گزاره‌های مطرح شده مورد واکاوی قرار می‌گیرد تا نشان داده شود هویت در نگاه دولت و جامعه و در مقابل عرصه‌های مختلف زندگی در عصر جدید با چه

چالش‌هایی مواجه است. در بخش نخست این کتاب، مسئله مصرف به عنوان عاملی اساسی در شکل‌دهی به هویت مورد بحث قرار می‌گیرد و در پاره‌های مختلفی که در پی خواهد آمد عرصه‌هایی که مصرف در سبک زندگی روزمره در آن نمودار می‌شود، طرح خواهد شد. از رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون و تأثیرات هویتی که محتوای برنامه‌های آن دارد تا موضوعاتی چون مد، تعلیم و تربیت، گردشگری، جنسیت، تفریح و اوقات فراغت، جهانی‌شدن و مباحث جدیدی همچون پزشکی‌شدن و بهداشت، موضوعاتی هستند که با محور قرار دادن بحث هویت مورد بررسی قرار می‌گیرند. اگرچه گستره مباحث پیرامون هویت محدود به مباحث این کتاب نیست اما کتاب حاضر به بخش قابل توجهی از موضوعات و مباحث پیرامون هویت به‌ویژه بعد سائل اجتماعی و شهری اشاره خواهد کرد.

نویسنده‌بان اگرچه ادعای آن را ندارند که به‌طور کامل به مفاهیم موجود در جغرافیای دانش مورد بحث پرداخت کنند ولی تلاش وافر در زمینه جامعیت بخشیدن به مطالب کتاب داشته‌اند. انتقاد، پیشنهاد و افکار نظری اساتید بزرگوار و فرهیخته بی‌شک علاوه بر این که بر غنای مطالب در چاپ‌های بعدی خواهد افزود، باب تضارب آرا و تفاهم بیش‌تر در عرصه مباحث فرهنگی را بیش از پیش خواهد گشود. مفتخریم که مقدمه کتاب حاضر به کلک زرین و دانش وثیق استاد ارجمند، صاحب قلم جناب آقای دکتر ناصر فکوهی، استاد محترم دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شده است. از مساعدت و لطف ایشان به این مجموعه تشکر کرده، سلامتی، طول عمر و دوام و فیقات این استاد فرهیخته را از خداوند متعال مسئلت می‌نماییم. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند تا از تلاش‌های صادقانه دوستان عزیز و محترم در دفتر پژوهش‌های فرهنگی به‌ویژه در جناب آقای دکتر خوشنویس در غنای هر چه بیش‌تر محتوای این اثر تقدیر و تشکر نماید امیدواریم اثر حاضر بتواند فضای جدیدی درباره مسئله هویت به روی خوانندگان معاصر باز کند.

دقیق از خداست

نویسندگان

بهار ۱۳۹۳

مقدمه

در نیمه دوم قرن بیستم به تدریج چرخش‌های گوناگونی در عرصه علوم اجتماعی رخ داد. یکی از مهم‌ترین این چرخش‌ها به گسترده مفهوم فرهنگ به عرصه علوم اجتماعی بود که گاه از آن با عنوان «چرخش فرهنگی» در حوزه‌های گوناگونی چون حوزه تاریخ یاد می‌شود. هر چند نمی‌توان به سادگی و به شکلی قاطع و مورد اجماع حوزه «جامعه» و حوزه «فرهنگ» را از یکدیگر جدا کرد اما دست‌کم می‌توان این نکته تأکید کرد که مفهوم «جامعه» تا حد زیادی به انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم و به‌ازای اساسی آن در فضا و زمان. یعنی تعمیم‌یافتن شکل و محتوای زندگی شهری، بسته بود است؛ هم از این‌رو، انقلاب جدید فناورانه‌ای که جهان از دهه ۱۹۸۰ شاهد آن بود و نتایج آن در همه عرصه‌های زندگی و از جمله در رابطه انسان و گروه‌های انسانی با واحدی فضا، زمانی تغییرات اساسی به‌وجود آورده، سبب شده است تا اکثریت نظریه‌پردازان حوزه‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی در نگاه خود به امر اجتماعی تجدید نظر کرده و رویکردی سنگین را به مثابه رویکردی کل‌گرایانه‌تر، جایگزین و یا حداقل در موقعیتی بالاسری نسبت به آن قرار دهند. این حرکت که با نظریه گرامشی^۱ آغاز شده بود، با مکتب فرانکفورت و سپس مکتب مطالعات فرهنگی تداوم خود را تا امروز حفظ کرده است و پیامدهای آن در حال حاضر در همه عرصه‌های علوم از جمله در شاخه‌های جدید بین‌رشته‌ای مشاهده می‌شود.

از آن‌جا که «چرخش فرهنگی» نمی‌توانست به تأثیرگذاری در یک یا دو حوزه در علوم انسانی محدود شود به‌زودی تمام شاخه‌های علوم انسانی از زبان‌شناسی گرفته تا روان‌شناسی، از اقتصاد تا فلسفه و همه را زیر نفوذ خود قرار داد. اکثر این رشته‌ها در ابتدای قرن بیستم یا کل‌گرا و برخوردار از پایه‌های نظری و عملی جهان‌شمول بوده‌اند و یا برعکس، بیش از اندازه

خاص‌گرا می‌نمودند. اما، در هر حال، آنچه مسلم است نظریه‌های فرهنگی درباره آنها چندان مصداق نداشت، البته در همان زمان نیز روشنفکران، دانشگاهیان و متفکران برجسته‌ای ظهور کردند که این‌گونه نگاه به مسائل را نمی‌پذیرفتند، ارنست کاسیرر^۱ و نوربرت الیاس^۲ دو متفکر از میان ده‌ها اندیشمند برجسته‌ای بودند که همسویی با جریان آب، تساهل در مسائل جدی انسانی، اسیر کردن آن در محدوده‌های یک شاخه‌شناختی و هم‌چنین سلب تفکر همه‌جانبه در اړه چنین مسائلی را مورد سؤال قرار داده و از پذیرفتن آن سر باز زدند، اگر چه تحولات صورت گرفته بعدی در علوم انسانی و علوم اجتماعی نیز بر این امر صحنه گذاشت. امروزه روش‌شناسی‌هایی چون ادگار مورن^۳ و میشل فوکو^۴ را از بزرگ‌ترین متفکران قرن بیستم به‌شمار می‌آورند که تفکر آنها ابزاری برای دستیابی به شناخت مشکلات و پیچیدگی‌های عظیم جهان امروز پس پای بشر نهاده است.

همگام با سبک زندگی این تحولات، چرخشی موازی با فرهنگ و تحت تأثیر آن در حوزه روان‌شناسی نیز اتفاق افتاد، به‌گونه‌ای که مفاهیمی چون شخصیت، شخص و هویت را که در ابتدا صرفاً در حوزه‌های روان‌شناسی و روان‌پزشکی تعریف می‌شدند، به حوزه‌های دیگر علوم انسانی و اجتماعی گستراند. علت اصلی این مسئله شوک و ضربه‌ای بود که دو جنگ جهانی پی‌درپی و جنایات باورنکردنی بشر و رشد بی‌رحمی‌ها و کشتارها و نژادپرستی‌های فاشیستی در فرهیخته‌ترین کشورهای غربی به وجود آورده بود. پاسخ به این سؤال نمی‌توانست ساده باشد که چگونه می‌تواند انسان فرهیخته و با دانش آکادمیک در گستره هنر، ادبیات و مؤلفه‌های زندگی مدرن، می‌تواند تا چنین درجه‌ای از فرومایگی و جنایت و بی‌رحمی سقوط کنند که میلیون‌ها نفر را تنها به دلیل سبک‌های مراتب «نژادی» به فجیع‌ترین شکل به کشتن دهند. از طرف دیگر این پاسخ نمی‌توانست پاسخ ساده‌ای باشد که روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه، آن هم از نوع تکرارسته‌ای باشد. هر یک از روش‌ها و روش‌های روان‌شناسان و روان‌پزشکانی چون زیگموند فروید^۵، آلفرد آدلر^۶، کارل گوستاو یونگ^۷ و ویلهلم رایش^۸ و دین‌شناسانی چون ردولف اوتو^۹ و میرچا الیاده^{۱۰}، زبان‌شناسانی چون فریدینان دوسوسور^{۱۱} و رومن یاکوبسن^{۱۲}، فیلسوفانی چون مارتین هایدگر^{۱۳}، هانا آرنست^{۱۴} و لودویگ ویتگنشتاین^{۱۵} و... راه را بر چشم‌انداز جدیدی باز کردند تا انسان‌شناسی فرهنگی بتواند با هدایت اندیشمند

1. Ernest Cassirer

4. Michel Foucault

7. Carl Gustav Jung

10. Mircea Eliade

12. Roman Jakobson

15. Ludwig Josef Johann Wittgenstein

2. N. Elias

5. Sigmund Freud

8. Wilhelm Reich

11. Ferdinand de Saussure

13. Martin Heidegger

3. Edgar Morin

6. Alfred Adler

9. Rudolf Otto

14. Hannah Arendt

بزرگی چون کلود لوی - استروس^۱ مباحث تازه‌ای را برای شناخت انسان و ساخته‌های مادی و غیرمادی او مطرح کند به‌ویژه که نام یکی از مهم‌ترین مجموعه‌هایی که زیر نظر و هدایت مستقیم لوی - استروس در سال‌های پختگی کامل فکری او منتشر شد. همین واژه «هویت» بود. کتابی که در آن استروس با قلم خود و مهم‌ترین شاگردانش نشان می‌داد که چگونه مفهوم هویت را باید در عرصه‌ای بسیار فراتر از روان‌شناسی، روان‌پزشکی و حتی روان‌کاوی فرویدی و لاکانی مد نظر قرار داد؛ یعنی در عرصه فرهنگی و در بعد انسان‌شناختی آن که در آن جاسطه، زبان، زیست طبیعی، مهارت‌ها و دانش‌های مادی و غیرمادی انسان با یکدیگر آمیخته شده و ترکیب می‌شوند تا به شیوه زیست انسان‌ها در فرهنگ‌های مختلف و از طریق هزاران هزار سال اختلا پیچیده، تعامل و مبادله میان انسان‌ها، گروه‌های هویتی، زبان‌ها و شیوه‌های زیستی و، همچنین، میان ساخته‌های پیچیده‌ای چون شهرها و سبک‌های زندگی روزمره را معنا ببیند و پس مبادله را نه به راهی برای افزایش تنش، بلکه به راه‌حلی برای کاهش تنش‌ها و ایجاد زندگی بهتری همه تبدیل کنند.

این تفکر یعنی تمایل به مبادله میان انسان‌ها که امروزه نیز به گفتمانی مهم در علوم انسانی مبدل گشته و کتاب حاضر نیز که در عرصه‌ای عمده‌تر ملهم از زندگی شهری پیرامون آن نوشته شده تفکر غالب و بنیادین جهان امروز است. این انتظار جست‌وجوی بی‌پایان برای رسیدن به منشأهایی مفروض و راه‌حل‌های معجزه‌آسایی دستیابی به «اصالت فرهنگی» با هدف یکسان کردن و کلیشه‌ای کردن شکل و محتوای زندگی انسان‌ها و شیوه‌های زیست فرهنگی و حتی طبیعی آنها، همان‌گونه که در فصل مربوط به پزشکی شدن جامعه امروز نیز مطرح شده است، بیراهه‌هایی خطرناک هستند که نه تنها راه به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسانند بلکه سبب خواهند شد تا از یافتن راه‌حل‌ها و گره‌گشایی‌هایی که امروز پس از هر زمان دیگری به آنها نیاز داریم باز بمانیم.

هویت، همان‌گونه که در این کتاب با استناد به مراجع معتبر و به‌روز و همچنین پیشینه تحقیقات در قرن بیستم بدان اشاره می‌شود، مفهومی است که بیش از هر چیز باید به آن در یگانگی و شباهت، بلکه در تکرار و تفاوت مطرح می‌کند. موجود انسانی از «تا انتهای حیات خود چه در قالبی مادی (بدن) چه در محتوای معنایی (ذهن) دائماً در پی متفاوت کردن خود از دیگران است و این امری است که حاصل طبیعت او و شاید بتوان گفت طبیعت همه موجودات زنده است. «بودن» به یک معنا به مفهوم «متفاوت بودن» و یکی شدن با دیگری و در معنای دیگر به مفهوم «از میان رفتن» و حذف شدن است. از آنجایی که این دوگانگی به

دلیل مطلق بودنش، ارزش یک مفهوم علمی را ندارد بهتر است این گونه بیان شود که موجود زنده و به خصوص انسان، که موجودی «آگاه» و «زبان‌ورز» است، از خلال همین آگاهی، از جمله آگاهی به «مرگ» خود، به حیات خود معنا می‌بخشد و بخش بزرگی از این معنابخشی به صورت «هویت‌یابی» انجام می‌گیرد. به همین دلیل نمی‌توان تلاش کرد تا هویت‌های انسانی و متکثر را یکی کرد، باید پذیرفت که انسان‌ها همان‌گونه که از لحاظ طبیعی با یکدیگر تفاوت دارند و هیچ انسانی با هیچ انسان دیگری یکسان نیست و همان‌گونه که از لحاظ زبانی با یکدیگر متفاوت‌اند و هیچ انسانی با زبانی کاملاً مشابه انسان دیگر— حتی در یک واحد زبانی مشابه با لحنی یکسان— سخن نمی‌گوید، به همین صورت یکی کردن شیوه‌های زندگی روزمره و فرهنگ انسان‌ها کاری عبث و بی‌فایده است.

در این مسیر، مسئله شهر و شهری بودن موضوع دیگری است که حتی با مطرح شدن انقلاب اطلاعات و عصر دیجیتال از بین نمی‌رود. درست است که این انقلاب رابطه انسان‌ها را برای همیشه با واقع‌های زمان و فضا متفاوت می‌کند، اما بی‌شک نه فقط شهرها تا صدها و بلکه هزاران سال و شاید بیش از همیشه باقی بمانند، حتی روابط جدید فضایی و زمانی نیز نیاز به پایه‌های اساسی هویتی دارند که ازهای مشابه دیگری همچون نیازهای زندگی شهری را ایجاب می‌کند، نیاز به هماهنگی و یک‌سازایی و به عبارتی دیگر، انسجام فرهنگی در قالب مفاهیمی چون همدلی، همبستگی، درک مشترک، هم‌زبانی، ارزش‌ها و باورهای مشترک و... حال پرسش این است که چگونه هویت‌های تفاوت‌دهنده را می‌توان با جریان‌های قدرتمند مدافع انسجام و محدودکننده و تقلیل‌مندی که سازگار کرد؟ پاسخی که خواننده علاقه‌مند، دست‌کم بخشی از آن را در این کتاب خواهد یافت، دقیقاً در درک ما از پدیده هویت و سازوکارهای بی‌شمار و ژرف آن نهفته است. به همین دلیل نیز هر کتاب جدیدی که پیرامون موضوع هویت منتشر می‌شود قدمی مفید برای روشن کردن این پرسش اساسی قرن بیست و یکم است که: چگونه باید بین این دو جریان متضاد برخورد کرد؟ یعنی تمایل به هویت‌خواهی از یک سو و تمایل به یگانگی از سوی دیگر، با کم‌ترین هزینه برای هویت‌های اجتماعی، در محیطی سالم و در عین حال در چشم‌اندازی پایدار سازش ایجاد کرد؟

در جامعه‌ای همچون جامعه امروز ما که موقعیت‌هایی بی‌نظیر و در عین حال پرخطر را از سر گذرانده و شکاف‌ها و گسل‌های اجتماعی و فرهنگی بی‌نهایتی را تجربه می‌کند، که هر یک خطری برای جامعه به همراه دارد، انتشار کتاب‌هایی مانند کتاب حاضر که بتوانند گوشه‌ای از این گره کور و پیچاپیچ فکری و عملی را باز کنند، غنیمتی است که باید قدر آن را شناخت و تلاش کرد تا از دستاوردهای فکری نویسندگان آن بهره برد. این نکته زمانی برای ما ملموس‌تر خواهد بود که در نظر بگیریم، تقریباً، جامعه ما در حال تبدیل شدن به

یک جامعه تماماً شهری است که در آن جوانان، یعنی کسانی که باید در آینده هویت کامل خود را بیابند، اکثریت مطلق هستند و زنان به عنوان نیمی از جامعه به شکل بسیار گسترده و در شتابی فزاینده، در حال ورود به جامعه و قرار گرفتن در کنار مردانند. جامعه‌ای که چون هر جامعه دیگری که وارد عرصه مدرنیته صنعتی و اطلاعاتی می‌شود با مسئله کاملاً گسترده افزایش شدید نیازهای هویتی و تکثر آنها و، در کنار و در مقابلش، نیاز به یگانگی و انسجام دارد. هم از این رو متوجه می‌شویم که اهمیت مباحث مطرح شده را نباید به هیچ‌رو در سطح ارائه رونق‌دهای نظری دید، بلکه باید از آنها برای حرکت به سوی حل مشکلات و گشودن گره‌ها، سنگ‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه استفاده کرد.

ناصر فکوهی

تابستان ۱۳۹۲

www.ketab.ir